

# عراق، نفت و اوپک

فعالیت شرکت‌های نفتی آمریکا در عراق، خصوصاً در شرایط اقتصادی کنونی آمریکا و جهان فرصت مغتنمی برای شرکت‌ها و برای بخش نفت ایالات متحده خواهد بود. مشارکت این شرکت‌ها در حوزه‌های نفتی عراق در شرایطی که برآوردهای گزافی از میان ذخایر نفتی این کشور ارائه می‌شود، فرصت می‌دهد که این شرکت‌ها ارزش سهام خود را افزایش داده و احیاناً بازارهای بی‌رمن بورس آمریکا را نفس تازه‌ای بخشند. اما در این زمینه مشکلاتی نیز وجود دارد، رژیم صدام دهه‌ها میلیارد دلار قرارداد را جهت توسعه حوزه‌های نفتی خود بویژه با شرکت‌های فرانسوی و روسی به امضا رسانده بود، شاید گله‌گزارهای و طلب‌کارهای اخیر ایالات متحده از دولت فرانسه نیز چندان بدون ارتباط با این موضوع نبوده و به سبب منصرف کردن دولت فرانسه از هرگونه ادعایی در این زمینه باشد، اما باید دید که امریکایی‌ها مسأله قراردادهای شرکت‌های روسی را چگونه حل و فصل خواهند کرد.

پس از حذف رژیم صدام تداوم برنامه کنترل سازمان ملل بر تولید نفت عراق (که عملاً برنامه‌ای برای کنترل رژیم صدام بود) چندان قابل توجیه به نظر نمی‌رسید؛ اما دولت‌های روسیه و فرانسه بر تداوم آن (البته با اصلاحات لازم) اصرار داشتند، شاید به همین دلیل که از این طریق بتوانند حقوق خود را احقاق کنند. در هر حال اعدادی که در مورد حجم ذخایر قابل‌بازیافت نفتی عراق اعلام می‌شود، ساخته همان رژیم صدام است و چندان قابل اتکاء و اطمینان به نظر نمی‌رسد. رسیدن به اعداد قابل قبول نیازمند روزآمد کردن مطالعات اکتشافی و مطالعات مهندسی مخازن نفتی عراق خواهد بود که طبعاً سال‌ها به طول خواهد انجامید و تا آن زمان همان‌گونه که اشاره شد شرکت‌های امریکایی سود کافی را از مشارکت در حوزه‌های نفتی برده‌اند.

روند آتی تولید نفت عراق نیز هنوز در ابهام قرار دارد. رژیم صدام سال‌ها به تولید بی‌رویه نفت بدون رعایت استانداردهای فنی و انجام تعمیرات لازم بر روی چاه‌ها و تأسیسات نفتی خود ادامه داده است و برای تأمین تجهیزات مورد نیاز تعمیرات و توسعه تأسیسات نیز تحت تحریم

پس از پایان گرفتن جنگ و استقرار یافتن نیروهای امریکایی در عراق، مسأله نفت عراق و آینده آن در کانون توجه ناظران بین‌المللی قرار گرفته است. بدون شک اهداف حاکمان آمریکا در مسأله عراق به هیچ وجه به تسلط بر منابع نفتی خلیج فارس محدود نمی‌شود؛ اما مسأله نفت در مورد تحقق سایر اهداف نیز نقش محوری دارد.

به عقیده برخی صاحب‌نظران، اقتصاد ایالات متحده در دهه‌های اخیر به اقتصاد متکی و وابسته به سلطه مبدل شده است. این به آن معناست که اقتصاد این کشور در وضعیتی قرار گرفته که قادر به حضور موفق در یک رقابت عادلانه و غیر تبعیض‌آمیز در مقابل رقبای بزرگ اقتصادی خود نیست، در چنین شرایطی تداوم بخشیدن به تبعیض‌ها و امتیازاتی مانند حاکمیت دلار در اقتصاد جهانی و حفظ بازارهای اختصاصی و ویژه برای صدور اسلحه، کالا و خدمات و تحکیم سایر برتری‌های تجاری از اهمیت خاصی برای این کشور برخوردار می‌شود و حفظ سلطه بر منابع و شاهراه‌های نفتی و انحصاری کردن بازارهای کشورهای صاحب نفت بیشترین تأثیر را در تحقق چنین اهدافی خواهد داشت.

از سوی دیگر حجم ذخایر طبیعی نفت ایالات متحده به حدی رسیده است (که در صورت تداوم روند تولید موجود) میزان تولید فعلی حداکثر ۱۰ تا ۱۲ سال تداوم خواهد یافت، بنابراین مقامات این کشور نمی‌توانند به این میزان از ذخایر صرفاً نگاه تجاری داشته باشند و در هر حال تولید نفت این کشور که طی سال‌های گذشته روند نزولی داشته است به صورت اجتناب‌ناپذیر این روند را با شدت بیشتری دنبال خواهد کرد و در چنین شرایطی وابستگی این کشور به نفت خام وارداتی به شدت افزایش خواهد یافت و نیاز به مبادی ایمن و تحت کنترل نفت فزونی می‌یابد. فراموش نکنیم که طی چند سال گذشته، باوجود همه مشکلات فی‌مابین دولت آمریکا با رژیم عراق، کشور عراق همواره در کنار عربستان، ونزوئلا، مکزیک و کانادا در ردیف پنج کشور اول صادرکننده نفت به آمریکا قرار داشته و حتی در بدترین شرایط فی‌مابین، دولت جرج بوش با نظر کنگره مبنی بر توقف واردات نفت خام از عراق مخالفت کرد.

بوده است، استمرار این وضعیت در کنار آسیب‌های ناشی از چند جنگ، صنعت نفت این کشور را (خصوصاً در بخش بالادستی) مستهلک کرده است، بازسازی و نوسازی این تأسیسات برای رسیدن به یک تولید منظم و مشخص قابل تداوم، نیازمند برقراری امنیت، اصلاح زیر ساخت‌های کشور و چندین میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است و طبعاً توسعه بیشتر ظرفیت‌های موجود نیازمند سرمایه‌گذاری بسیار بیشتری است.

مصرف داخلی نفت عراق نیز مسأله‌ای در خور توجه است. مردم عراق سال‌ها در فقر و مضیقه زیسته‌اند، نیازهای ایشان اشباع نشده و تقاضای ایشان تأمین نشده است، رژیم صدام بدون توجه به نیازهای داخلی بخشی از ظرفیت پالایشی حدود ۴۲۰ هزار بشکه‌ای این کشور را مصروف قاچاق فرآورده‌های نفتی برای رسیدن به درآمد قابل تصرف برای اهداف خود، کرده بود. مردم عراق حق خواهند داشت که پس از سال‌ها فلاکت بهره بیشتری از ذخایر طبیعی خود ببرند، این واقعیت در کنار نیازهای بازسازی، تصویر مبهمی را از میزان مصرف داخلی آینده پدید می‌آورد. براساس آمارهای موجود (آمارهای سال ۲۰۰۰ میلادی) مصرف سرانه انرژی مردم عراق حدود یک هشتم مصرف سرانه شهروندان ایالات متحده آمریکا و کمتر از یک نهم مصرف سرانه همسایه جنوب یعنی کویت است. البته باید جامعه جهانی از ابتدا کمک کند که وضعیت مصرف انرژی در عراق به گونه‌ای باشد که ضمن تأمین نیازهای اقتصادی و رفاهی مردم در سطح مطلوب کارائی قرار داشته باشد.

مسأله مهم دیگر مسأله مسیرهای انتقال نفت عراق است، چهار مسیر با سابقه و شناخته شده برای صدور نفت عراق به شرح زیر وجود دارد:

- ۱- اسلکه البکر امکان اصلی صادرات نفت عراق از طریق خلیج فارس است (البته امکانات جزئی دیگری نیز در ام‌القصر و نقاط دیگر وجود دارد که چندان قابل توجه نیستند). اسلکه‌های صادراتی عراق محدودیت آب‌خور داشته و برای کل توان نهایی صادرات این کشور کفایت نمی‌کند. (حد اکثر حدود ۱/۲ میلیون بشکه در روز) اما همین امکانات نیز در جریان جنگ رژیم صدام علیه ایران و کویت و جنگ با آمریکا آسیب اساسی دیده‌اند و نیاز به بازسازی دارند.

- ۲- مسیر خط لوله صادرات نفت خام عراق از طریق عربستان در جریان جنگ رژیم صدام علیه ایران به عنوان یک جایگزین برای بنادر صادراتی این کشور به کار گرفته شد؛ اما این خط لوله به دنبال حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ توسط دولت عربستان سعودی بسته شد. ممکن است در شرایط فعلی و با حذف رژیم صدام، دولت عربستان انگیزه‌ای برای تداوم بسته نگاه داشتن آن نداشته باشد؛ اما مسأله این است که این خط لوله در داخل عربستان به خط لوله اصلی شرق به غرب این کشور وصل می‌شود که وظیفه اصلی آن حمل نفت خام تولیدی خود این کشور است. لذا، این که این خط لوله پس از ده سال از توقف از نظر فنی چه وضعیتی دارد و این که هنوز ظرفیتی برای انتقال نفت عراق در مسیر خط لوله عربستان وجود دارد یا نه، مسأله‌ای است که باید روشن شود.

- ۳- مسیر خط لوله انتقال نفت منطقه کرکوک به بندر سیحان در ترکیه با ظرفیت حدود یک میلیون بشکه نفت عراق را وارد دریای مدیترانه می‌کند که کم مشکل ترین مسیر انتقال نفت عراق است، دولت ترکیه نیز مشتاق به بهره‌برداری از آن است چرا که تحریم‌های نفتی عراق در زمانی اتفاق افتاد که هنوز هزینه‌های سرمایه‌گذاری این خط لوله برای دولت ترکیه که باید از محل حق ترانزیت نفت خام عبوری از آن تأمین می‌شد، به طور کامل بازگشت نشده بود و دولت ترکیه مدعی است که از این بابت متحمل ضرر

شده و همواره از این بابت شکایت داشته است.

۴- مسیر خط لوله انتقال نفت عراق به بندر بانیا س کشور سوریه نیز امکان انتقال نفت جنوب عراق به مدیترانه را به وجود می‌آورد؛ اما این خط لوله که یکی از قدیمی‌ترین خطوط انتقال نفت خاورمیانه است از نظر فنی با مشکلات زیادی مواجه است. اطلاعات موجود نشان می‌دهد که این مسیر به دلیل پوسیدگی و فرسودگی زیاد، نشستی زیادی دارد و ممکن است قابل بازسازی نیز نباشد.

در هر حال محدودیت‌هایی از نظر امکانات صادراتی برای نفت عراق وجود خواهد داشت. در صورت مساعد بودن شرایط سیاسی و استقرار یک دولت ملی در عراق و امتناع دخالت‌های خارجی، زمینه همکاری‌های گسترده منطقه‌ای در زمینه انرژی خصوصاً میان سه کشور ایران، عراق و سوریه وجود خواهد داشت. به عنوان مثال، اگر بنا باشد خط لوله جدیدی جایگزین خط لوله قدیمی عراق به بندر بانیا س شود، مشارکت ایران در چنین طرحی و این که مسأله انتقال بخشی از نفت خام ایران به مدیترانه نیز در چنین طرحی مورد توجه قرار گیرد ابعاد اقتصادی چنین طرحی را کاملاً متفاوت خواهد کرد.

همکاری در زمینه مبادله انرژی الکتریکی، بررسی امکانات سوآپ نفت خام و فرآورده‌های نفتی، احداث پالایشگاه‌ها و پایانه‌های مشترک و همکاری در زمینه فن‌آوری‌های مربوط به صنایع نفت از دیگر اموری هستند که در بلند مدت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

در مورد آینده عضویت عراق در سازمان اوپک نیز تحلیل‌های متفاوتی وجود دارد. برخی این احتمال را می‌دهند که امریکایی‌ها در جهت خارج کردن عراق از سازمان اوپک اعمال فشار کنند. چنین تحلیلی با این فرض می‌تواند صحیح باشد، که آمریکا را ماهیتاً مخالف وجود اوپک بدانیم، اما ممکن است چنین فرضی صحیح نباشد، در هر حال بازار جهانی نفت نیازمند یک تنظیم‌کننده (رگلاتور) است، با توجه به مجموعه عوامل پیچیده‌ای که بر بازار جهانی نفت و عرضه و تقاضا و قیمت‌های آن تأثیر می‌گذارند چنانچه چنین تنظیم‌کننده‌ای وجود نداشته باشد، دامنه نوسانات قیمت نفت بسیار گسترده و غیر قابل کنترل و پیش‌بینی خواهد بود، بنابراین شاید همه ماهیتاً وجود چنین تنظیم‌کننده‌ای را لازم بدانند؛ اما علاقمند باشند که دامنه نوسانات در جهت منافع ایشان تنظیم شود، در این صورت ممکن است امریکایی‌ها نیز بیشتر علاقمند باشند که از طریق عراق نفوذ بیشتری در جهت‌گیری‌ها و تصمیمات اوپک داشته باشند و شمار دوستان خود در اوپک را افزایش دهند. علاوه بر این به نظر می‌رسد که امریکایی‌ها در ده سال گذشته از طریق برنامه تحریم و کنترل تولید نفت عراق، میزان تولید نفت این کشور را به اهرم ثانویه‌ای برای کنترل و تنظیم بازار مبدل کرده بودند؛ اما در وضعیت کنونی ممکن است تداوم چنین نقشی با سایر اهداف آمریکا در زمینه نفت عراق و برنامه‌های توسعه آن سازگاری نداشته باشد و در این صورت نقش و حضور عراق در سازمان اوپک از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

نکته پایانی این که: اعضای اوپک باید در برخورد با مسأله عراق بسیار دقیق بوده و هوشمندانه عمل کنند و در مورد سهمیه‌های آتی تولید این کشور واقعیت‌های این کشور، محدودیت‌های گذشته مردم این کشور و عقب‌ماندگی‌ها و نیازهای آن را نیز مورد توجه قرار دهند و در موج ناخواسته رقابت منفی قرار نگیرند.